■ از زمانی که ایران عملیات نظامی علیه پایگاه عین‌الاسد در عراق را اجرایی کرد، کشورهای منطقه احساس متفاوتی درباره پایگاه‌های نظامی آمریکایی در کشورهای خود پیدا کردند. به این ترتیب که اگر تا پیش از این، پایگاه‌های نظامی آمریکایی علامت امنیت و مصونیت بود، بعد از حمله ایران به عین‌الاسد این پایگاه‌ها علامت یک سیبل و آشفتگی امنیتی شدند، به همین دلیل کشورهای منطقه بسیج شدند برای اینکه این فضای امنیتی را کنترل کنند

دکتر سعدالله زارعی، در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

حمله به عین‌الاسد ضریب امنیت ایران را افزایش داد

بر اساس الگوی نظامی به ازای هر ۳ نفر مجروح، یک نفر کشته وجود دارد

با وجود گذشت بیش از ۱۰ روز از حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی عین‌الاسد آمریکا در عراق که در واکنش به ترور شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی توسط آمریکا انجام شد، واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به این رویداد بی‌سابقه همچنان ادامه دارد. تاکید بر قدرت موشکی و دفاعی ایران و همچنین میزان تلفات آمریکایی‌ها در این حمله از جمله موضوعاتی است که از سوی رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای این روزها به آن پرداخته شده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این موضوع صرفا در حد مناسبات میان آمریکا و ایران باقی نمانده و بسیاری از کشورهای منطقه نیز خود را متاثر از آن دانسته‌اند. برای بررسی تبعات این حمله موشکی که گفته می‌شود پس از جنگ دوم جهانی سابقه نداشته، با دکتر سعدالله زارعی، کارشناس ارشد مسائل منطقه‌ای گفت‌وگو کرده‌ایم.

***

■ **جمهوری اسلامی در واکنش به ترور ناجوانمردانه شهید سپهبد سلیمانی، پایگاه نظامی آمریکایی عین‌الاسد در عراق را موشکباران کرد. درباره این حمله و تأثیرات این واکنش بویژه بر مناسبات ایران و آمریکا در آینده بفرمایید.**

پاسخ ایران به اقدام تجاوزکارانه آمریکا در به شهادت رساندن سردار سرافراز اسلام، شهید سپهبد سلیمانی در واقع این نکته را نشان داد که برخلاف عرف رایج در مناسبات نظامی، ایران در برابر اقدام آمریکا پاسخ عملی داد، در حالی که اگر این اقدام علیه کشور دیگری اتفاق افتاده بود، حتی کشورهایی که به ظاهر قدرتمند هستند، پاسخ در حد اقدامات سیاسی و دیپلماتیک محدود می‌ماند اما ایران پاسخ قاطع و عملیاتی داد، آن هم در شرایطی که مسؤولیت حمله را پذیرفته است. این موضوع نشان‌دهنده این است که آمریکایی‌ها دیگر نمی‌توانند روی عرف اقتدار نظامی خود به‌عنوان یک عامل جلوگیری‌کننده از واکنش طرف مقابل حساب باز کنند. آمریکایی‌ها می‌دانند اگر اقدامی کنند حتما با پاسخ متقابل مواجه خواهند شد. همین موضوع تا حد زیادی فضا برای اقدام نظامی را آرام می‌کند، کما اینکه آنها بعد از اقدام نظامی ایران در عین‌الاسد، عملا عقب‌نشینی کردند و به جای پاسخ نظامی، حرف از مذاکره زدند که البته همین طرح مذاکره هم فریبکارانه بود. به هرحال همین‌که پاسخ نظامی نسبت به اقدام ایران انجام ندادند، نشان‌دهنده این واقعیت است که آمریکا دیگر نمی‌تواند وارد یک دالان یک‌طرفه اقتدار نظامی شده و طرف مقابل را وادار به همکاری نظامی کند.

■ **به نظر می‌رسد کشورهای منطقه بویژه متحدان منطقه‌ای آمریکا، پیام واکنش قاطع ایران به آمریکا در عین‌الاسد را دریافت کرده‌اند و تلاش دارند از طریق مذاکره و ارسال پیام برای ایران، خود را از تنش به‌وجود آمده دور نگه دارند. نظر شما در این باره چیست؟**

در سطح منطقه‌ای کشورهایی که میزبان پادگان‌های آمریکایی هستند باید بدانند و دانستند که وجود این پایگاه‌ها در کشورهای‌شان سبب ناامنی می‌شود و اگر مناقشه‌ای میان ایران و آمریکا شکل بگیرد، یکی از اهداف نظامی برای ایران، پایگاه‌های آمریکایی در این کشورهاست. وقتی پایگاه نظامی در کشوری مورد حمله قرار می‌گیرد، ضریب امنیتی در آن کشور پایین می‌آید؛ یعنی اینطور نیست که فقط یک پایگاه نظامی بیگانه مورد هدف قرار می‌گیرد، بلکه ضریب امنیتی آن کشور نیز پایین می‌آید. بنابراین از زمانی که ایران عملیات نظامی علیه پایگاه عین‌الاسد در عراق را اجرایی کرد، کشورهای منطقه احساس متفاوتی درباره پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای خود پیدا کردند. به این ترتیب که اگر تا پیش از این پایگاه‌های نظامی آمریکا علامت امنیت و مصونیت بود، بعد از حمله ایران به عین‌الاسد، این پایگاه‌ها علامت یک سیبل و آشفتگی امنیتی شدند و به همین دلیل کشورهای منطقه بسیج شدند برای اینکه این فضای امنیتی را کنترل کنند، همچنین آنها هیات‌هایی را به تهران فرستادند و گفت‌وگوهایی را مبتنی بر نگرانی‌شان شکل دادند.

■ **در موضوع حمله به پایگاه نظامی عین‌الاسد، چقدر موضوع تلفات در مقابل اصل این حمله موضوعیت دارد؟**

حتما اهمیت دارد، چرا که در حملات بحث جان نیروهای نظامی مطرح است و اگرچه آمریکایی‌ها آمار شفافی در این زمینه به صورت رسمی ارائه ندادند اما از حجم مجروحان آنها که گفته شد بالای ۴۲۰ نفر بود و به نقاط دیگر منتقل شدند، می‌شود تلفات آمریکایی‌ها را حدس زد، چراکه بر اساس الگوی نظامی، به ازای هر ۳ مجروح، یک کشته وجود دارد.

■ **یکی از دستاوردهایی که بعد از حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد عنوان می‌شود، این است که گزینه برخورد نظامی را از گزینه‌های آمریکا حذف و سایه جنگ را از کشور دور کرد؛ نظر شما در این باره چیست؟**

ببینید! واکنش نظامی ایران نشان داد ضربه زدن به ایران کار بسیار دشواری است و به همین جهت اقدام بعدی آمریکا علیه ایران طبیعتا توام با ملاحظات بیشتری خواهد بود. نفس همین موضوع، ضریب امنیت ایران را افزایش داده و خواهد داد.

■ **اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه به‌عنوان انتقام اصلی خون شهید حاج قاسم سلیمانی مطرح شده است. این مهم چگونه و از طریق چه مکانیسم‌هایی محقق خواهد شد؟**

البته اخراج معنوی اتفاق افتاده، یعنی آمریکایی‌ها الان به‌عنوان نیروهای خطرساز در منطقه شناخته شده‌اند و این یعنی اخراج آمریکا از ذهنیت مردم منطقه که دنبال امنیت می‌گردند محقق شده است اما اخراج فیزیکی به طور سلسله‌وار اتفاق خواهد افتاد، یعنی دومینوی اخراج نیروهای آمریکایی ممکن است از عراق شروع شده و به سوریه برسد و همین‌طور در منطقه خلیج‌فارس و در بقیه کشورها تکرار شود.

دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

برای محکومیت ترامپ، دیپلمات انقلابی می‌خواهیم

گفت‌وگو

گروه سیاسی: دکتر پیروز مجتهدزاده همچنان جایگاه خود در رسانه‌ها و افکار عمومی را به عنوان یک کارشناس مطرح در مباحث حساس ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی) حفظ کرده که البته به گفته خودش بارها مجبور شده در دفاع از ایران به حقوق بین‌الملل یا تاریخ سیاسی نیز سرک بکشد.

با مجتهدزاده درباره اقدام تروریستی دولت آمریکا در به شهادت رساندن سپهبد شهید قاسم سلیمانی و اقدامات حقوقی لازم درباره آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

***

■ **یک سناتور آمریکایی گفته اقدام آمریکا در ترور یک فرمانده نظامی ارشد و رسمی ایران، معادل زدن وزیر دفاع ایالات متحده است؛ اگر چنین باشد، این به منزله اعلان جنگ آمریکا به ایران است؟**

ابدا! باید دقت داشته باشیم اعلان جنگ یعنی اینکه کلماتی از همین قبیل از مقاماتی در همین سطح خارج شود. این یک عملیات تروریستی صرف بود. دقیقا زدن و در رفتن. بکش و در رو.

■ **ولی ۲ جنگ جهانی (اول و دوم) دقیقا با چنین حملات تروریستی‌ای آغاز شد و هیچ اعلانی در کار نبود، بلکه صرفا اقدام به حمله بود.**

به هر حال در تعاریف حقوقی، جنگ حتما باید با اعلان همراه باشد. مثلا صدام در حمله به ایران رسما اعلام کرد جنگ از این لحظه آغاز می‌شود. در غیر این صورت ممکن است ۲ کشور سال‌ها با هم در زد و خورد باشند اما رسما در حال جنگ نباشند. این بزن و در رویی ترامپ شامل تعریف جنگ در روابط بین‌الملل نمی‌شود. اگر این جنگ بود، شما مجاز بودید از خودتان دفاع کنید یا مقابله به مثل کنید ولی آن وقت این حق را هم به امثال ترامپ می‌دادید که او هم به اسم حمله پیشگیرانه چنین جنایتی را مرتکب شود. ممکن است شرایطی که پیش آمده شبه جنگی باشد و ممکن است طبق مثالی که از نحوه راه افتادن جنگ‌های جهانی آوردید به جنگ بینجامد ولی باز هم تاکید می‌کنم ما رسما در جنگ نیستیم که آمریکا حق چنین حمله‌ای را داشته باشد، بلکه ما قانونا در وضعیت صلح هستیم و این اقدام ترامپ تروریسم نام دارد و محکوم است.

■ **خب! اگر این اقدام آمریکا را به طور رسمی تروریستی بنامیم، غیر از محکومیت چه عواقبی می‌تواند برای آنها در پی داشته باشد، در حالی که حتی کسانی در سطح خانم تولسی گابارد، نماینده کنگره نیز ضمن محکومیت اقدام ترامپ، آن را نقض قانون اساسی ایالات متحده دانسته‌اند.**

ببینید! یک جنبه این حرکت مقابله به مثل با انفجار و کشتار است و جنبه دیگر توجیه بین‌المللی واکنشی است که قصد داریم انجام دهیم. اگر الان بیاییم بگوییم با آمریکا در جنگ هستیم، باید بدانیم قبح چنین حملاتی توسط طرف مقابل را از بین برده‌ایم.

■ **البته رهبر انقلاب هم پس از حوادث رخ داده در ارتباط با سفارت ایالات متحده در بغداد، به مقامات آمریکایی عتاب کرده بودند که ما با آنها در جنگ نیستیم و بیجا می‌کنند که می‌خواهند به ایران پاسخ نظامی بدهند.**

همینطور است. هدف بنده هم این بود که از تریبون شبکه تلویزیونی دولتی انگلیس بگویم این حرکت آمریکا زشت، نادرست و محکوم است؛ چه از نظر بین‌المللی و چه حتی از نظر سیاستمداران آمریکایی. نکته اینجاست که ما با مقامات آمریکایی جنگ نداریم، بلکه داریم از خودمان، حیثیت‌مان و حقانیت‌مان دفاع می‌کنیم.

اگر دیپلمات‌های ما ورزیدگی لازم را داشته باشند، می‌توانند این موضوع را به سازمان ملل بکشانند و دولت ایالات متحده و شخص ترامپ را محکوم کنند. این فرصتی است تا از این طریق ما دنیا را با خودمان همراه کنیم. ما در دنیای جدیدی زندگی می‌کنیم که در آن سیاست داخلی با مشروعیت سیاسی و آرای مردمی گره خورده است و در عرصه بین‌الملل موکول هست به مشروعیت قوانین و مقررات و طبعا تایید بین‌المللی. الان این قوانین به نفع ما است و ما باید مظلومیت‌مان را در جهان به اثبات برسانیم تا دنیا هم در کنار ما ترامپ را محکوم کند؛ تبعات چنین محکومیتی برای او حتی بدتر از شکست در جنگ خواهد بود.

■ **به لحاظ حقوقی حرف شما صحیح است اما واقعیات میدانی ایجاب می‌کند اگر یک رفتار تروریستی دامنه‌دار شود، مثل فتنه داعش و القاعده در عراق و سوریه، آن وقت بحث عملیات نظامی مستقیم یا مستشاری کشورهای ثالث برای مقابله با آن مطرح شود، یعنی همان کاری که روسیه و ایران در شامات کردند یا همین ائتلافی که آمریکا و هم‌پیمانانش به بهانه داعش راه انداختند؛ در این صورت محکومیت خالی کافی است؟**

اصلا محکومیت برای این است که غلطی که ایالات متحده کرد تکرار نشود و دنیا را وادار کنیم که بیاید پای بحث منطقه‌ای ما مبنی بر اینکه «آقای ترامپ! تو تروریستی نه ما» و اینکه دنیا شاهد باشد که اگر تو این کار را تکرار کنی من هم می‌توانم تلافی کنم.

■ **آیا ترامپ به عنوان یک شخصیت حقیقی مرتکب این جنایت شده یا به عنوان یک شخصیت حقوقی یعنی رئیس حاکمیت آمریکا؟**

او در هر حال کشور خودش را تبدیل به کشوری کرده که اقدامات تروریستی انجام می‌دهد. یعنی حتی پنتاگون هم به عنوان عامل نظامی اجرای این جنایت تروریست است. ضمنا در این باره، ترامپ رسما رجزخوانی کرده است. یک وقت هست که شما یک کاری را پنهانی انجام می‌دهی ولی ترامپ همه جا جار زد که من خودم دستور ترور سردار سلیمانی را صادر کرده‌ام. متاسفانه بعضی هموطنان ما تصور می‌کنند این آدم فهمیده‌ای است، یعنی متوجه کارهایش هست اما ببینید چقدر کودن است. هر دزدی می‌گوید من نبودم اما ترامپ دارد می‌گوید من خودم بودم. لاجرم وقتی طرف مقابل‌تان که ایالات متحده باشد چنین نقطه ضعف بزرگی را در دستگاه حاکمیتش دارد، ما باید با همکاری با هم و با صبر و حوصله و درایت شرایطی را فراهم کنیم که اول از هر چیز ترامپ و وزارت دفاعش از همه نظر محکوم شوند، آن وقت تلافی شما فقط یک تلافی ساده نخواهد بود، بلکه مشروعیت بین‌المللی خواهد یافت.

■ **اما کدام نهاد بین‌المللی چنین محکومیت فرضی‌ای را خواهد پذیرفت؟ مشخص است که امکان چنین محکومیتی در نهادهای بین‌المللی وجود ندارد.**

نهاد مهم نیست، افکار عمومی شرط است. آنچه باعث شد دست و پای عربستان سعودی تا حدودی در یمن بسته شود، کار کردن روی افکار عمومی جهانی بود. قرار نیست ما فقط با خصم خودمان زد و خورد کنیم، بلکه باید حربه‌های نرم را هم به کار بگیریم. در این قضیه هم ما از نظر مقررات بین‌المللی دست بالا را داریم، پس باید بر اساس آنها پیش برویم تا طرف مقابل را به محکومیت برسانیم. حالا اگر دستگاه دیپلماسی ورزیده‌ای داشته باشیم با محکومیت خیلی کارها می‌توانیم بکنیم.

■ **آقای دکتر! مطمئنا تک‌تک کلماتی که به کار می‌برید معنا دارد و وقتی این «اگر» را می‌آورید اینطور استنباط می‌شود که دستگاه دیپلماسی از پس این کار بر نمی‌آید.**

مگر شما تا حالا متوجه نشده‌اید؟ مگر تعارف داریم؟ حقوق بین‌المللی ما با اعتبار، زندگی، حیثیت، امنیت ملی و بقای کشور ما گره خورده است. این دستگاه دیپلماسی بسیار ناکارآمد و بی‌لیاقت‌تر از آن است که آن را تامین کند. آنها حتی اصول اولیه دیپلماتیک را نمی‌دانند ولی هدف بحث امروز ما این نیست که اشخاص را محکوم کنیم، بلکه می‌خواهیم آمریکا هر چه قوی‌تر محکوم شود. اگر در این باره نقصی داریم باید آن را جبران کنیم. ایرانی‌های زیادی در جهان هستند که در این زمینه مهارت دارند و مملکت‌شان را دوست دارند و حاضرند به آن کمک بکنند حتی اگر شده در قالب مشاوره غیررسمی.

■ **اینطور به نظر می‌رسد که شما به عنوان یک حقوقدان دارید اعلام آمادگی می‌کنید برای کمک در این مورد.**

خیر! من حقوقدان نیستم. ژئوپلیتیسین هستم و از دانشگاه‌های ایران هم اخراج شده‌ام اما هنوز به‌خاطر ضعف دیپلماسی عمومی‌مان، خیلی مواقع مجبور می‌شوم در مسائل تاریخی پا پیش بگذارم تا در رسانه‌ها از حقوق ایران دفاع کنم. حقوقدان همان کسی است که مسبب این وضعیت است. الان حداقل کاری که می‌توان کرد این است که نماینده ما در سازمان ملل دبیرکل را راضی کند تا در یکی از تریبون‌های این سازمان نطق غرایی علیه آمریکا انجام دهد که «ای دنیا! رئیس‌جمهور آمریکا، کسی که مدعی مبارزه با تروریسم جهانی بود، خود بزرگ‌ترین اقدام تروریستی را انجام داده است». نماینده ایران باید برود آنجا و دنیا را خطاب قرار دهد که «اگر شما سکوت کنید آن وقت تکلیف امنیت و صلح جهانی چه می‌شود؟ باید کاری کنید!»

■ **یعنی شما تصور می‌کنید ما می‌توانیم باعث ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای مواجهه با تروریسم دولتی آمریکا شویم؟**

به شما قول می‌دهم اگر دستگاه دیپلماسی کارآمدی داشتیم می‌توانستیم این کار را بکنیم. ما دیپلمات‌هایی جسور و فصیح در سخنوری می‌خواهیم که از تریبون سازمان ملل توجه جهانیان را جلب کنند نه این کسانی که الان هستند. یادم نمی‌رود که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جریان انقلاب و استقلال الجزایر، سخنرانان الجزایری چطور دنیا را به حرکت در آورده بودند. ما دیپلمات انقلابی می‌خواهیم مثل آنها. من می‌خواهم بپرسم چگونه این دیپلمات‌های مصلحت‌اندیش و بی‌عرضه ما نمایندگان یک نظام انقلابی هستند؟ یک بار برای همیشه باید به نتیجه برسیم که اگر در سازمان ملل توسط آمریکا و اسرائیل و متحدانش محکوم می‌شویم و اگر نمی‌توانیم در چنین موقعیت‌هایی جنایت ترامپ و آمریکا را در سطح بین‌المللی محکوم کنیم، به‌خاطر بی‌عرضگی دیپلمات‌های‌مان است و بس. این نگاه من است که در لندن نشسته‌ام اما گویا در وزارت امور خارجه تهران موضوع را طور دیگری می‌بینند و فقط ارتباطات سیاسی و فامیلی اهمیت دارد نه منافع ایران.

■ **نکته تأسف‌برانگیز اینکه خیلی موارد بار کوتاهی‌های دستگاه دیپلماسی ما را در عمل حاج قاسم سلیمانی به دوش می‌کشید که حالا شهید شده است.**

کاملا درست است و این را هم در نظر بگیرید که ایشان چقدر در عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه محبوب بود. این اول از همه به‌خاطر لیاقتش بود. یعنی مردم این کشورها نمی‌گویند که او ایرانی است یا کرد و عراقی و سوری و لبنانی و فلسطینی و یمنی و افغان و پاکستانی و هندی، بلکه او را به واسطه توانایی‌هایش، قهرمان عرصه مبارزه با تروریسم و رایزنی برای حل اختلافات داخلی و خارجی می‌دانستند، در حالی که دستگاه دیپلماسی ما اشخاص را بر اساس کارکردشان نمی‌سنجد.

چگونه ترور سپهبد سلیمانی به قیمت محو افسانه‌های آمریکایی تمام شد

خون او امپراتوری را عریان کرد

نبویسا مالیچ
روزنامه‌نگار ضرب‌تبار آمریکایی RT.com

برای دهه‌ها حاکمیت آمریکا از جامعه بین‌المللی، نظم (جهانی) قانون‌محور، اهمیت متحدان ناتو، دموکراسی و حاکمیت ملی صحبت می‌کرد، بعد ناگهان دونالد ترامپ یک ژنرال ایرانی را ترور کرد. به قول یک ضرب‌المثل قدیمی صربی «برف نمی‌بارد تا تپه‌ها را بپوشاند، بلکه می‌بارد تا ردپای وحوش را عریان سازد».

مصداق این ضرب‌المثل واقعه هدف قرار دادن سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که نه‌تنها خودرویی که حامل او بود، بلکه دهه‌ها تبلیغات مهمل ایالات متحده و متحدانش در جهان را به هوا فرستاد.

■ **قوانین امپراتوری پر**

مدت‌ها حاکمیت واشنگتن مشروعیت رفتارش را با ضرورت اعمال نظم جهانی «قانون‌محور» توجیه می‌کرد و حتی گاهی با اصول «لیبرال» و این ادعا که ایالات متحده مورد حمایت «جامعه بین‌الملل» قرار دارد. همه این تعاریف بدون تعارف مبهم هستند. تصور کنید شما قادر باشید برای هر حرکتی که می‌خواهید بکنید، تعریفی متناسب بتراشید. قتل قاسم سلیمانی به روشنی روز عیان کرد نه قانونی وجود دارد، نه جامعه‌ای و نه نظمی (جهانی). فقط یک امپراتوری آمریکایی است، نوکرانش که احتراما «متحدان» خطاب می‌شوند و هدف‌هایش که «دشمنان» خوانده می‌شوند. ایران سال ۱۹۷۹ (انقلاب اسلامی) وارد فهرست دشمنان شد چون انقلاب رژیم خادم ایالات متحده در تهران را سرنگون کرده بود و امپراتوری هم در این مورد ضعیف عمل کرد تا تحقیر شود. حالا شاید ترامپ نگوید «ما هر چه بخواهیم، هر جا بخواهیم، هر جور بخواهیم، هیچ قدرتی در عالم نیست که جلوی‌مان را بگیرد» اما نیازی هم به گفتنش نیست، چون موشک‌ها همه اینها را می‌گویند.

■ **متحدان یا نوکران؟**

این لحظه جواهرآسایی است که با وجود آن همه نهیب‌هایی که ترامپ درباره «متحدان واشنگتن» زد اما واکنش بی‌مایه ناتو به غائله [شهادت] سلیمانی فقط موید این نکته است که اتحاد مورد ادعا چیزی جز بله‌قربان‌گویی نوکران - و نه شرکا - نیست. دبیرکل ناتو، ژنرال ینس استولتنبرگ روز دوشنبه اعتراف کرد این ائتلاف برای قتل (فرمانده ایرانی) مورد مشورت قرار نگرفته اما در عوض اعلام کرد آنها همگی پای واشنگتن ایستاده و ایران را محکوم می‌کنند و انتظار دارند تهران از خشونت و تحریک بیشتر خودداری ورزد!

در اضافه فضلی مشابه، رهبران بریتانیا، فرانسه و آلمان بیانیه‌ای مشترک صادر کردند مبنی بر اینکه همه طرفین درباره چرخه فعلی خشونت در عراق مسؤول هستند و خواهان کاهش تنش شدند. یادتان هست قدرت‌های هسته‌ای اروپایی امضاکننده برجام در سال ۲۰۱۵ مدعی بودند پس از خروج ترامپ در سال ۲۰۱۸ باید آن را تعمیر و احیا کرد؟ اما آیا آنها واقعا چنین کردند؟ در عوض حالا فرانسه، ایران را به نقض مکرر توافقی متهم می‌کند که آمریکا آن را پاره کرده است. این یعنی پس از آن همه ادعایی که (اروپایی‌ها) درباره استقلال‌شان داشتند، دست آخر همگی دارند در غل و زنجیر واشنگتن قدم برمی‌دارند.

■ **دموکراسی و حاکمیت ملی پر**

اگر به نخستین جنگ جهانی بازگردیم و «وودرو ویلسون» (رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده)، آمریکا وسواس عجیبی داشت که دموکراسی باعث امن‌تر شدن جهان می‌شود. جمع‌بندی این بود که اگر هر که با نامه فدایت شوم به واشنگتن و سامانه‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا تن دهد، دنیا را صلح فرا می‌گیرد. به نظر می‌رسد ترامپ این دیدگاه را با مخاطب قرار دادن جهان به عنوان مجموعه‌ای از حاکمیت‌های کشوری (و نه ملی) و خاتمه دادن به مفهوم ملت‌سازی به چالش کشیده است.

دولت او چه پاسخ درخوری در مقابل رای پارلمان عراق به خروج آمریکا از کشورشان داشته است؟ مایک پمپئو، وزیر خارجه ادعا کرد او بهتر می‌داند مردم عراق چه می‌خواهند و ترامپ می‌گوید آمریکایی‌ها تا عراقی‌ها پول پایگاه هوایی گران‌قیمت‌شان را ندهند نمی‌روند.

■ **جنگ قلابی با تروریسم**

ترامپ در توجیه ترور، ژنرال ایرانی را تروریست شماره یک در جهان نامید. معاونش مایک پنس، سلیمانی را به انجام فهرستی از قساوت‌ها متهم کرد و حتی آن وقت زیاده‌روی کرد که مدعی ارتباطی بین ایران و حملات ۱۱ سپتامبر شد! در حقیقت این ژنرال ایرانی بود که در برانداختن طالبان در افغانستان مساعدت کرد اما دولت وقت جرج دبلیو بوش در راه تدارک حمله غیرقانونی به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه واقعه ۱۱ سپتامبر بر این مدعا اصرار داشت که ایران جزئی از محور شرارت است.

«الان متوجه هستی که چه کرده‌ای؟» این سوالی بود که پوتین (یک دهه پیش) با اشاره به بحرانی که دولت اوباما به اسم بهار عربی در منطقه خاورمیانه راه انداخته بود از اوباما پرسید. او پاسخ مناسبی برای سوال خودش در آستین داشت که می‌گفت: «سیاست‌های بر پایه اعتماد به نفس و باور به استثنایی و غیرقابل مجازات بودن یک نفر هرگز ترک نخواهد شد».

او حق داشت و شما می‌دانید چرا. ردپاها هنوز آنجا روی برف‌ها هستند.